

نگاهی به تظاهرات ۲۲ بهمن

پاریس

>امسال همه جبهه ها، همه گروه ها، همه احزاب و تفکرهای

مختلف در این راه پیمانی عظیم (تظاهرات ۲۲ بهمن) شرکت کردند<

شیخ حسن روحانی



امیرفیض- حقوقدان

نقش شعارها در مبارزات سیاسی، فصل آشنائی است که متراکم برواژه هاست واژه ها، ستون گفتارند، گفتارها بیان کننده مقاصد واهداف سیاسی که ازطریق شعارها که درتظاهرات مصرف میشود شناخته میشوند.

همانطور که درکارزارهای جنگی تشخیص دشمن و خودی ازمجرای پرچم است درکارسیاسی خاصه تظاهرات که حالت نمایش قدرت گروه سیاسی رادارد شعارهاست که موقعیت حقوق سیاسی را مشخص میکند و ناظرین تظاهرات فقط ازطریق شعارهاست که ظرفیت سیاسی وخواست تظاهرات را تشخیص میدهند به همین دلیل است که شعارها بصورت جملات شعری وپرمعنا وکوبنده وتاثیرگذارساخته میشود که درک آن برهمگان آسان باشد.

شعارها در واقع شناسنامه ومانیفست مبارزه هستند که حقیقت مبارزه واصلت آنرا بردوش دارند و اگر متزلزل باشند ویامحکم نباشند ویا پادرها ویا ازحق الهام نگرفته باشند ونظایر آنها، مبارزه وتظاهرات وابسته به آن ازاصلت ومعنا خارج است وحالتی رابوجود میآورد که هربیننده ای هدف ازتظاهرات رابر تشخیص وبرداشت خودش ازشعارها خواهد یافت.

میدان شعارها در تظاهرات پاریس

درتظاهرات ۲۲ بهمن پاریس [امسال] شعارها محدود به دوشعارمتراکم ومتوالی بود یکی (زندانی سیاسی آزاد باید گردد) ودیگری شعاربی معنای (ایران آزاد باید گردد).

اکنون مسیراین تحریر بررسی شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» است وشعارایران باید آزاد گردد به فرصت دیگری موکول است.

شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردد

رکن اساسی درمبارزه سیاسی، مطالبه حق سیاسی است.

مطالبه هرحقی واجد سه رکن است رکن اول خود حق است، رکن دوم متقاضی حق، و رکن سوم معین و معلوم بودن متجاوز به حق. درکلامی ساده و منطبق بامبارزه سیاسی، باید معلوم باشد طرف مبارزه تظاهرات کیست چرا که اگر مدعی علیه، معلوم و مجهول باشد، حق، قابل دفاع شناخته نمیشود و مبارزه هم بادهواتلقی میگردد.

در تظاهرات پاریس، مدعی علیه (طرف تظاهرات) معلوم نبود، و معلوم نبود که آزادی زندانیان سیاسی از چه کسی خواسته میشود زیرا در شعار تظاهرات، شعارهای آشنا از جمله مرگ بر جمهوری اسلامی که علامت بارزه مخالفت با جمهوری اسلامی است قابل ملاحظه و مشخص تظاهرات نبود، و برعکس توجه شعار آزادی زندانیان سیاسی، جمهوری اسلامی را مدعی علیه تقاضای تظاهرات پاریس معرفی میکرد؛ زیرا که زندانیان ایران به حکم جمهوری اسلامی به زندان افتاده اند.

بنابراین میتوان گفت ودلائل کافی همراه واقعیات موجود و سابقه ارائه داد که تظاهرات پاریس یک تظاهرات حقوق بشری بوده نه تظاهرات سیاسی.

در تطبیق مورد همانطور که در تظاهرات تهران بمناسبت ۲۲ بهمن خواست گروههای مقاومت در مقابل آمریکا حتی جنگ با آمریکا بود، یعنی برخلاف سیاست دولت جمهوری اسلامی خواستهای را عنوان میکردند. تظاهرات پاریس هم بموازات خواستهای متفاوتی که از جمهوری اسلامی در تظاهرات تهران شده، درخواست آزادی زندانی سیاسی را داشته است. و آنجا که شیخ حسن روحانی گفته است همه گروه ها باتفکرات گوناگون در ۲۲ بهمن شرکت کردند، تائید کننده ماهیت تظاهرات ۲۲ بهمن پاریس است.

معلوم است که مبارزه حقوق بشری بامبارزه سیاسی تفاوت دارد و یکی از محلهای تائید شده در مبارزه حقوق بشری، برسمیت شناختن قانون اساسی کشوری است که مبارزان حقوق بشری خواستار اجرای آن هستند، مبارزه حقوق بشری میتواند یکی از بالهای مبارزه سیاسی باشد نه اصل و هدف مبارزه سیاسی.

درک این واقعیت که تظاهرات ۲۲ بهمن یک تظاهرات حقوق بشری بود تردیدی نیست و شاهد اعظم،

همان عنوانی است که پیام شورای ناپیدا بوسیله سخنگوی شورا قرائت گردید که چنین بود.

«پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت سی و پنجمین سال نقض حقوق انسانی»

آشکاری نقش سخنگوی شورای ناپیدا

درفیلمی که از تظاهرات پاریس منتشر شده دیده میشود هنگامیکه اعلیحضرت آماده خطابه شدند آقای رضا پیرزاده متنی را که قبلاً تهیه شده بود به اعلیحضرت داد و اعلیحضرت هم آنرا قرائت و سپس آن متن را به آقای پیرزاده مسترد و از تظاهرات خارج گردیدند.

نباید این جریان غیرعادی و بی سابقه مورد پرسش قرارگیرد زیرا نقش سخنگو همین است که متنی را که شورای ناپیدا فراهم کرده سخنگو بخواند و برود و نه زیاد تر و نه کمتر و این جریان که برای اولین مرتبه اتفاق افتاده است شاهد و سند عینی ایفای نقش سخنگونی است.

برداشت ساده و عمومی

درمقابل برداشت این تحریر، به اینکه تظاهرات پاریس مبارزه حقوق بشری برصحیفه برسمیت شناختن جمهوری اسلامی است، برداشت مستند و مرتبط زمانی دیگری هم وجود دارد که نمیتوان آنرا نادیده گرفت خاصه که برداشت مزبور روزنه هائی از آملد و فهم و فراست ایرانیان را هم نشان میدهد.

تظاهرات بمنظور یشتیانی از سیاست آمریکا

درتحریرات قبل زیر عنوان رفع حصر از کربوبی مورخ ۲/۲/۲۰۱۴ (۱) در رابطه با کنفرانس مونیخ در دیدار بین کری و ظریف مسئله حقوق بشر، رفع حصر غیرقانونی رهبران جنبش سبز و همچنین رابطه با عربستان مطرح شد و در همان جلسه قرار شد وزیر خارجه سوئد از طرف کنفرانس مونیخ بتهران اعزام و او قول داد درباره حقوق بشرو زندانیان سیاسی صحبت کند، خبرگزاری فرانسه درپخش خبرکنفرانس مونیخ گفت «جان کری خواستار آزادی امیرحکمتی و رابرت لوینسون و سعید عابدی هم شده است».

حاشیه = هم اکنون که این تحریر تنظیم میشود سفیر سوئد به تهران رفت و نسبت به دستور جلسه کنفرانس مونیخ بامقامات جمهوری اسلامی مذاکره کرد و خبر آنرا هم بی بی سی منتشر ساخت و این خود دلیل است براینکه درکنفرانس مونیخ یکی از موضوعات اصلی آزادی زندانیان سیاسی بوده است (پایان)

اگر درکنفرانس مونیخ به اسامی زندانیان سیاسی مورد نظر آمریکا اشاره ای نشد این مهم را بیانات سخنگوی شورای ناپیدا، که شورا گرداننده تظاهرات پاریس بود، بوضوح پیاده شد و ایشان از جمهوری اسلامی خواستند که زندانیان نام برده شده دربیانیه را آزاد سازد و عجیب اینکه:

سلام بر طبرزدی

> از ایرانیان خواستند که به فراخوان حشمت طبرزدی که از پشت میله های زندان (!!) برای ایشان رسیده سلام بدهند <

عبارت و درخواستی که هیچگاه درطول ۳۵ سال گذشته از سوی اعلیحضرت سابقه نداشته است و برعکس درتمام سالهای مبارزه مدعی رعایت عدم تبعیض بوده اند.

چقدر باید نویسنده این بیانیه احمق و ناجنس باشد که با علم به اینکه فرهنگ و عادت ایرانیان سلام دادن به شاه است نه بغیر او این چنین عبارت موهن و خردکننده ای دربیانیه پیاده کند؟

آیا دشوار است وزن منفی این درخواست اعلیحضرت از میلیونها ایرانی مخالف جمهوری اسلامی را درک کرد؟ چرا این چنین تحقیر خرد کننده به ۳ میلیون ایرانی خارج از کشور که ۳۵ سال است علیه جمهوری اسلامی و برای هویت ملی و تاریخ خود مبارزه میکنند، نسبت داده شود؟

اعلیحضرت بارها خطاب به ایرانیان فرموده اند: **<کاری نکنید تا من بگویم که چه بکنید>**^۲ آیا باید پاسخ انتظار مردم این باشد که بروید دنبال فراخوان طبرزی و به او سلام بدهید؟

۲۷ سال آزرگارا، سلطنت طلبان تحقیر، بی حرمتی و عاق شده اند و این حکم سلام دادن به طبرزدی به قول معروف <مشت در.... است>.

من براستی که وقتی درخواست ایشان مبنی بر سلام دادن به طبرزدی را خواندم آتش گرفتم نمیدانم سلطنت طلبان حساس تراز من چه کشیده اند.

نمیخواهم وزن این اظهار اعلیحضرت و توطئه نابکارانه شورای ناپیدا بیش از این عیان شود.

اعلیحضرت در مصاحبه بی بی سی و موضوع پرچم جمهوری اسلامی مدعی شده اند که پرچم راننده اند و گرنه اعتراض میکردند، (به دلائلی، بیانشان قابل تامل است) آیا در قرائت متن مورد بحث در تظاهرات پاریس آن عبارت موهن و توهین آمیز را نفرومودند (ندیدند) که حقارت آن درخواست از ایرانیان و عبور از روش مورد انتظار ایرانیان را هم یک امر عادی دانستند؟

آیا خاطره تلخ قرائت متن: <پیام انقلاب شمارا شنیدم> که توسط نزدیکان شاهنشاه نوشته و تحمیل شده بود تجدید نشده است؟

عجب تشابهی است، همانطور که به اقدام بی بی سی اعتراضی نفرومودند به این برنامه ریزی بیشرمانه شورای ناپیدا هم بی تفاوت ماندند.

سلام (درود)، در کار سیاسی نوعی بیعت است، چرا اعلیحضرت با چنین درخواستی از ایرانیان، بیعت گروهی آنان را با کسی (طبرزدی و حسین کاظمینی بروجردی) که سخت طرفدار جمهوری اسلامی است ولی توقعات خاص همراه ماموریت های خاصی را دارد خواستار میشوند؟

آزادی و دموکراسی در کار و مبارزه سیاسی این نیست که با مبارزین مانند گوسفند رفتار شود و گله وار بروند و به طبرزدی و فراخوانش سلام بدهند.

در مصاحبه باراديو فردا فرمودند: **<اگر بگویم من خواست خودم را تعقیب میکنم بنظر من این یک خواست دموکراتیکی نیست>**

^۲ - اعلیحضرت بارها اعلام فرموده اند؛ طرفداران من کسانی هستند که هرچه من میگویم را انجام بدهند. ایشان تلویحان «میفرمایند» که چه بکنند.... ح-ک

اینکه حکم و یا درخواست بفرمائید که ایرانیان به فراخوان طبرزدی سلام بدهند یک کاردموکراتیکی است؟ همان بلوای قطعه نامه شورای ناپیدا که اصرار داشتند؛ >هرکه می خواهد مرابه ببیند باید اول آن قطعه نامه را امضا کند< یک حرکت دمکراتیکی بوده است؟

بیچاره دمکراسی و حقوق بشر چه بهانه هائی است برای فرار از مسئولیت و آلت دست عوامل جمهوری اسلامی شدن.

در برنامه مصاحبه رادیو فردا از اعلیحضرت سوال شد: > شما چه برنامه ای برای نجات مردم دارید <

همین بیانیه سخنگوی شورای ناپیدا در تظاهرات پاریس پاسخ پرسش رادیو فردا است، یعنی سلام به فراخوان طبرزدی و بجای نجات مردم هم، فقط آقائی طبرزدی.

واقعا بعد از سی سال و سوهفتاد به حراست از قانون اساسی مشروطیت و حقوق ملت میتواند بیانیه تظاهرات پاریس، پاسخ تاریخ باشد؟

تالم سنگین و درد ناک و غیر قابل تحمل

درخواست اعلیحضرت، امکان توقف این تحریر را روی موضوع سلام به طبرزدی نمیدهد و بهتر است به موضوع اصلی پرداخته شود.

دنباله برداشت ساده و عمومی

عرض شد برداشتی از تظاهرات پاریس در دست است که نشانه فهم و هوشمندی و فراست ایرانیان است و اکنون به بینیم که این برداشت چیست.

طبق اخبار واصله تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات ۲۲ بهمن پاریس حدود ۸۰ نفر بوده است که البته نسبت به جمعیت ۷۰۰ هزار نفری فرانسه نشانی گیرا و مستدل است که ایرانی ها تمایلی به عملگی برای آمریکا ندارند و آنها به این فراست و هشیاری رسیده اند که خواستهای بیگانگان همواره از دهان ایرانیانی خود فروخته و فرومایه بیرون میاید تا زمینه سازی برای اجرای آن شده باشد.^۳

اعلیحضرت در همان مصاحبه بابی سی سی سی (پرچم جمهوری اسلامی) فرمودند > آمار که دروغ نیست <.

آمار حضور ۸۰ نفر در تظاهرات پاریس، که برخی هم با پرداخت هزینه سفر و پول اضافی از خارج فرانسه آمده بودند، با آماری که یک روزه ۲۸،۰۰۰ نفر به درخواست اعلیحضرت لبیک گفتند نشانه ای از هشیاری ایرانیان است.

> ابلهان در سر زمین های کوچک همواره سنگ کشورهای بزرگ را به سینه میزنند و هم میهنان خویش را تشویق به بخشش میهن و ناموسشان میکنند < (ارود)

۳ - سه حلقه تودرتو و در کنار هم در محل تظاهرات تشکیل شده بود که در هر حلقه بین ۲۰ - ۳۰ نفر دست به دست داده بودند. رقم ۸۰ نفر بنظر بسیار معقول می آید. البته تعداد زیادی توریست در این محل که نزدیک برج ایفل بود و پیش تر هم اوکرایینی ها در آنجا تظاهرات داشته اند را به رقم اضافه نکنیم زیرا آن اشخاص نمی تواند از ابواب جمعی تظاهرات ایرانیان به حساب بیاید. ح-ک